

شهریارا - یزد اگر جور سگند ر دیده است  
 کو بزندان سکنسدر شهره ورگردیده است  
 یزد کرد اول اینجار اعمارت کرده است  
 خلعت ساسانیان را زیب پیکردیده است  
 کار سازبها ز آل بویه و آل صفی  
 سرفرازبها هم از آل مظفر دیده است  
 تختگاه نصرت الدین شاه یحیی بوده است  
 فیصها زان پادشاه فیض گستر دیده است  
 هم زشه عباس اول بارها تعمیرها  
 هم زشه عباس دوم زیب و زیور دیده است  
 سراجانب بسته ره دردوره سلطانهین  
 هم زکر و فر نادر بس کز و فرد دیده است  
 گاه آن شد کزور و د شهریار پهلوی  
 باز بیند زیور آبادی و زیب نوی

## سید ضیاء الدین و مقام ریاست وزراء

سید ضیاء الدین فرزند مرحوم سید علی آقا مجتهد یزدی خود و پدرش  
 بمشروطیت ایران خدماتی انجام داده اند چنانکه سید ضیاء الدین در  
 اوایل مشروطیت سه قمره روزنامه های شرق و برق و رعد را با طرزی جالب  
 توجه در تهران منتشر و در سال ۱۳۹۹ خورشیدی بمقام ریاست وزرائی  
 نائل شده پس از سه ماه معزول و رهسپار اروپا گردید

## آثار یزد کنونی - بویژه فرهنگ

باید دانست که یزد در دوره شاهنشاهی بزرگ اعلیحضرت اقدس پهلوی  
 نخبت مانند سایر شهرهای ایران همه چیزش عوض شده و روزی نیست که

بنگاه تازه بخود ندیده باشد و حال آنکه ( این هنوز از نتایج سحر است )  
 خیابانهای تازه بویژه خیابان پهلوی که گفتیم بعد از مسافرت هما یونی چند برابر  
 بر امتداد و زیبایی آن افزوده شده با خیابانهای فرعی آن کاملاً بر شکوه  
 شهر افزوده است و خیابان شرقی و غربی نیز در شرف احداث است و  
 بعد از انجام آن باز بر زیبایی شهر خواهد افزود و بعلاوه یزدی که يك  
 دبستان ملكى نداشت و هر چه بود همه در خانه های اجاره و جاهای تنگ  
 اعم از هلی و دواتی اکنون از طرف معارف که در همین روزها نام آن  
 بفر هنگ مبدل شده در بهترین نقاط شهر دبیرستانی بنام ایرانشهر ساخته شد  
 در کمال شکوه و جلال و استحکام که قابل هزار سال دوام و بقاست

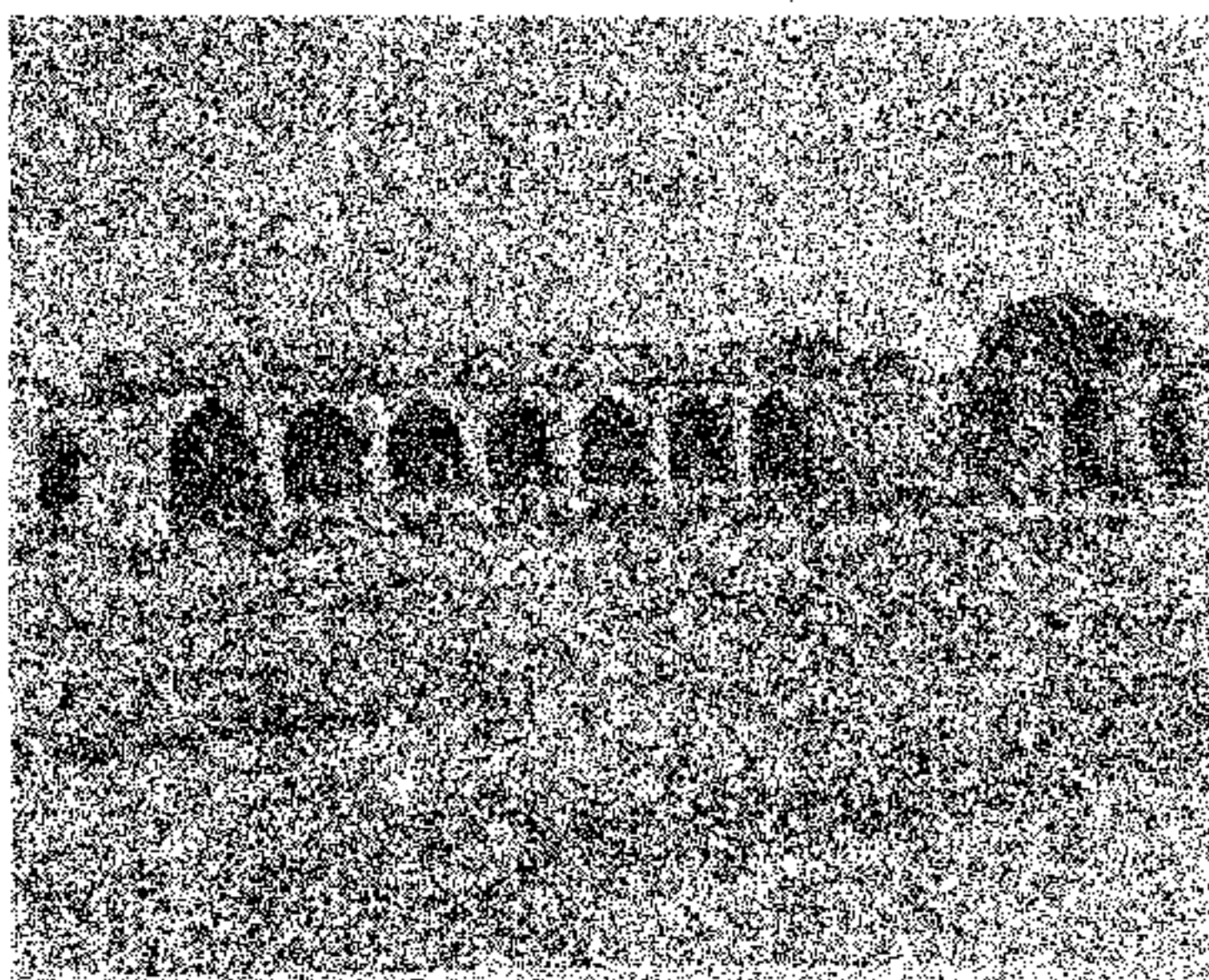
## دبیرستان ایرانشهر

این دبیرستان در آغاز عبارت بود از یکمدرسه ابتدائی ( دبستان  
 شش کلاسه ) در سال ۱۳۰۶ خورشیدی که سال دوم جلوس شاهنشاهی  
 بود آن دبستان مبدل شد بدبیرستان ( متوسطه ) با مدیریت آقای احمد طاهری  
 و جایگاه آن در یکی از خانه های آبر و مند ملکى بعضی از تجار که در  
 اجاره معارف بود قرار گرفت

از سال ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ اعتباری در حدود يك ملیون ریال  
 بمعارف یزد داد و بمباشرت آقای رادرسرشت رئیس وقت ساختمان تازه  
 آغاز شده در این سال ۱۳۱۷ تقریباً بیابان رسیده و اگر اندک نقیصه هم  
 دارد بزودی رفع میشود و بعد کمال میرسد در این موقع برای گشایش آن  
 بر روی دانش جویان پایدار ( کفیل ) وزارت فرهنگ ( ۱ ) جناب آقای

۱- اینکه آه بان را بنام شخصی بدون القاب ذکر کردیم بر اثر قانونی است که  
 در این دو ساله بتصویب مجلس شورای رسیده و بصرحه هما یونی مو شح کشته در القاء هر  
 عنوان و تعارفی چنی خان و میرزا سوای کلمه جناب برای وزراء و رؤسای مستقل ادارات مهم مانند  
 فرماندار و غیره و یکی دو کلمه دیگر که در اینجا حاجت بندگش نیست

مرآت ( اسمعیل ) از مرکز بیزد تشریف فرما شده در روز ششم آذر ۱۳۱۷ از اعیان و وجوه اهل شهر و تجار و معتبرین و بعضی از اصناف دعوت بعمل آمده با حضور فرماندار وقت جناب آقای قیامی [ زین العابدین ] و رؤسای ادارات مانند آقای وزیر تبار [ عبدالوهاب ] پیشکار دارائی بزد ( مالیه ) و آقای قهرمانی ( عبدالحسن ) رئیس شهرستانی [ نظمیہ سابق ] و دیگر سران و سروران آئین گشایش دبیرستان بعمل آمده بعد از

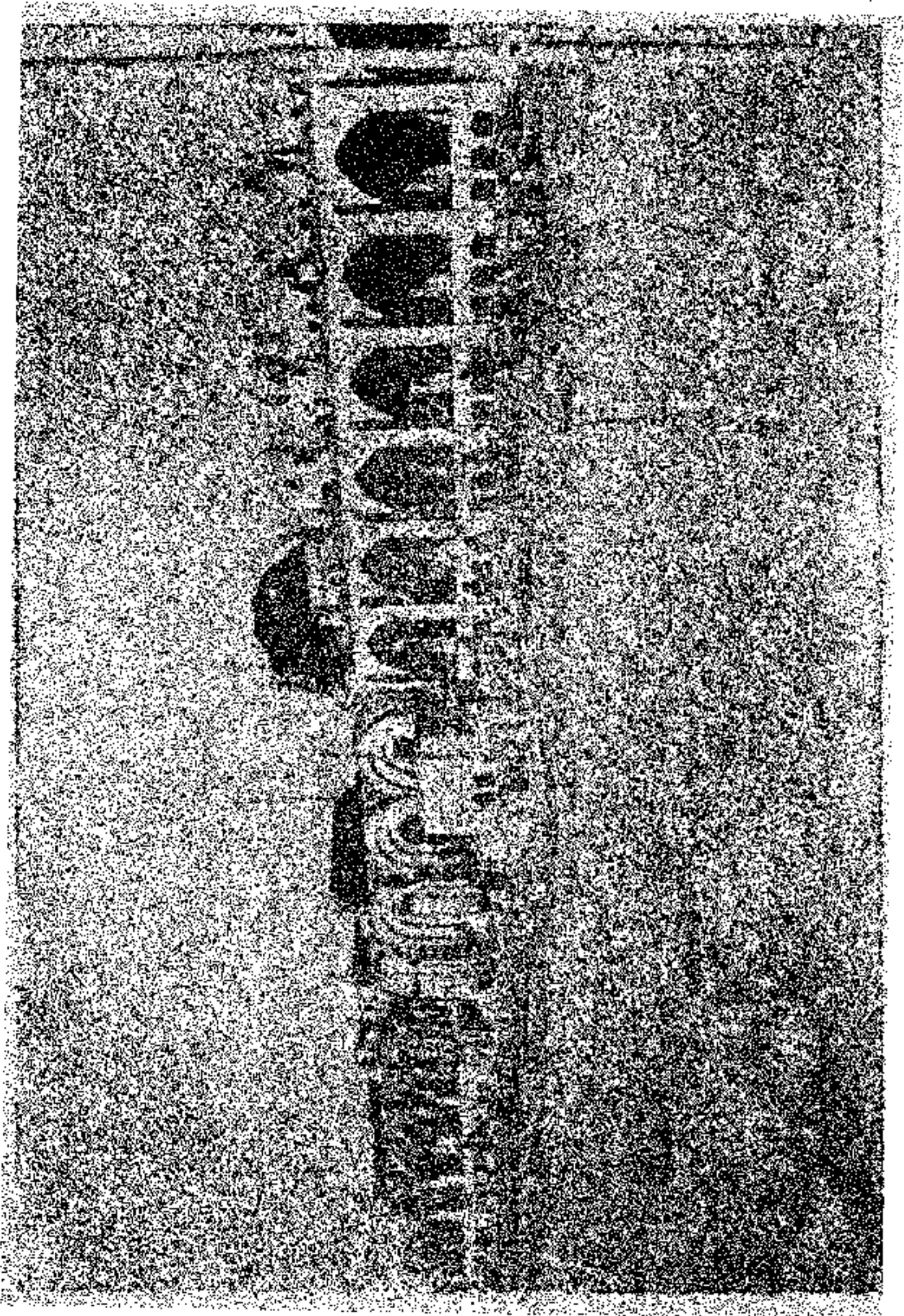


عکس قسمتی از دبیرستان در حین ساختن

سخن رانی ( نطق ) آقای فرماندار و آقای مرآت رسماً افتتاح یافته در این آئین گشایش و جشن با شکوه همه طبقات زبان بدعای ذات اقدس همایونی گشودند و پس از نهایتات قابل توجهی که از طرف شاگردان مدارس و پیدشاهنگان بزد انجام یافت با ردیگر هلهله شادی و صدای زنده باد اعلیحضرت پهلوی و پاینده باد و الاحضرت شاهپور و لا یتعهد از صغیر و کبیر بلند شده جشن پیاپی رسید و عکس يك بخش کوچکی از عمارت دبیرستان هم در صفحه بعد است : در خلال این احوال دبستانی هم در نفت از طرف دولت ساخته شده در کنار میدان شاهولی



که آنهم در حد خود جای نیکو و بنای پاکیزه ایست و در همین موقع گشایش یافته است



ضلع جنوبی ساختمان تازه دیرستان ایرانشهر

## هشتاد و شش دبستان و دبیرستان در یزد

اگر يك يك از بنگاههای فرهنگی را بخوانیم شرح دهیم سخن دراز و موجب کسالت خوانندگان خواهد شد از این رو بطور خلاصه گفته میشود که امروزه هشتاد و شش دبستان و دبیرستان دخترانه و پسرانه بازاری است که چهل و چهار هزار آن ملی است و چهل و دو هزار دولتی و هر چند امر و زور فرقی بین مدارس ملی و دولتی نیست زیرا همه با برنامه فرهنگی اداره میشود و آلی باید همشهریان ما شاید با شنید که در گذشته معارف خواهی خود را نشان داده اند و امروزه که دولت قدر شناس و مشوقی روی کار آمده همه را منظر و نظر سر حمت فرموده و منظر ما دید در میان این مدارس دبیرستان ایرانند خت نیکو دبیرستانی است که تا به امروز عشرت خانم نصیر بانی دبیر آنست و دوشیزگان کشر را نیکو اداره نموده است و امید است در آینده دختران و پسرانی که در این دو دبیرستان (ایران شهر و ایران خت) بیرون میآیند عناصر خوبی باشند برای ترقی دادن میهن و پرورش دیگران و نیز از ظرف دولت دانشپایه های بسیار برای اکابر تشکیل شده و دو سال است شماری از مردهای بزرگ هم بدانش جوئی پرداخته اند:

و باز بر حسب و عده که داده شد پیر و رشگاه ایتم را نام برده میگذریم پیر و رشگاه ایتم در حظیره ملاد و سال است دایر شده و از عایدات موقوفه مرحوم شیخ احمد که ذکرش گذشت همیشه در این بنگاه شماری از ایتم طعام روح و جسم میبند و با هزینه پرورشگاه بکسب دانش و هنر میپردازند

## بنگاههای فرهنگی زرتشتیان

زرتشتیان که گفتیم شمارشان در یزد از همه شهرهای ایران افزون است و گذشته از شهر در بیشتر از دهات بلوک و قصبه تفت هم عده از آنها بزراعت

مشغولند از اوایل مشروطه بلکه چند سال پیش از آنهم توجهی بمعارف و تاسیس دبستانها نداشته اند ولی در دوره قاجاریه گاهی دو چارنمخته میشدند و بعد از آنکه نسیم مشروطیت وزید آنها هم جانی گرفتند و از آغاز کودتا درست در میدان اجتماع درآمد بر عده دبستان ود دبستانهای خود افزودند و بر خي هم جدیداً تاسیس نمودند

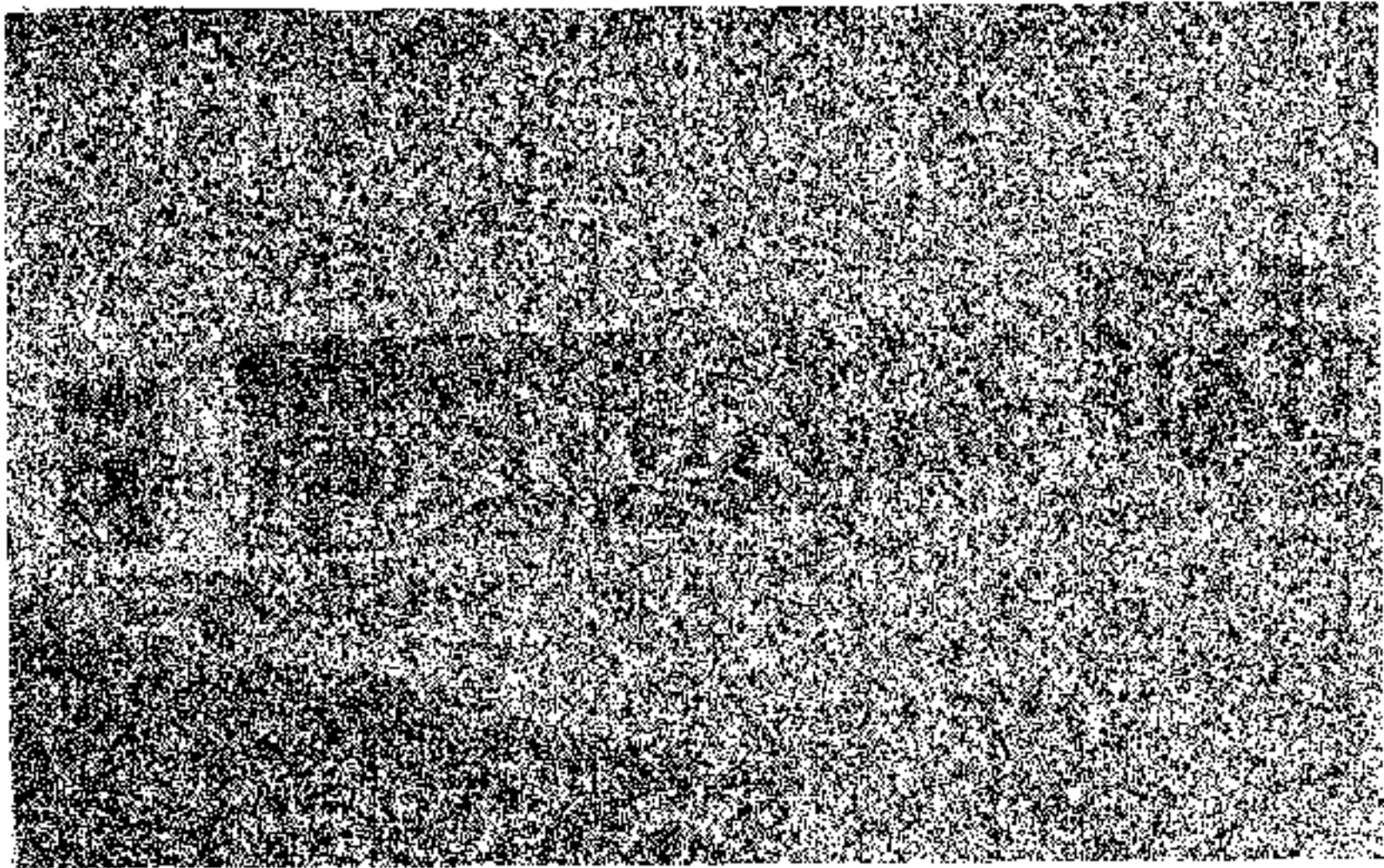
## دبیرستان کبخسروى

نخستین دبیرستانیکه بعد از دبستانهای شهر و دهات در محله پشت خانعلی (۱) تاسیس کرده اند دبیرستان کبخسروى است در ابتدا فقط مكاتبى بوده است از مكاتب قدیم از طرف روانشاد کبخسروى مهربان رستم در سال ۱۲۶۸ خورشیدی تاسیس شده و کبخسروى نامبرده بخشی از دارائی خود در برای نگهداری آن با اختیار انجمن زرتشتیان بمبئی گذاشته در سال ۱۳۰۱ تحت مدیریت پشوتن جی دستور صورت دبستان بخود گرفته از حالت مكاتب قدیم خارج شد و در سال ۱۳۰۵ که نسیم ترقی از برکت دولت پهلوی وزید بود فرامرز جی ماسترا اقدام بتوسعه دادن آن دبستان نموده متدرجاً بصورت دبیرستان درآمد و اکنون يك دبیرستان آبرومندی است که با دبیرستانهای دیگر برابری مینماید و ناگفته نماند که منحصر باین دبیرستان نیست بلکه اقدام کبخسروى نامبرده بر اثر سرمایه و خانه ولوازمی که او داده و بعد توسعه یافته سبب شده که اینک بنگاه کبخسروى با یدنا میدهد شود زیرا

۱- پشت خانعلی مشهور است که در ابتداء پشت خانعلی بود، زیرا عمر نامی در قرون متوسطه اسلامی که هنوز تشع رسمیت نیافته بود کلاثر محله زرتشتیان بود و خانه بسیار عالی ساخته آن کوی و محله پشت خانعلی مشهور بود و بعد از آن که تشع رسمی شد نام آن محله از پشت خانعلی بخام خانعلی بدیل شد و تاکنون بدین اسم موسوم و کوی زرتشتیان یزد است



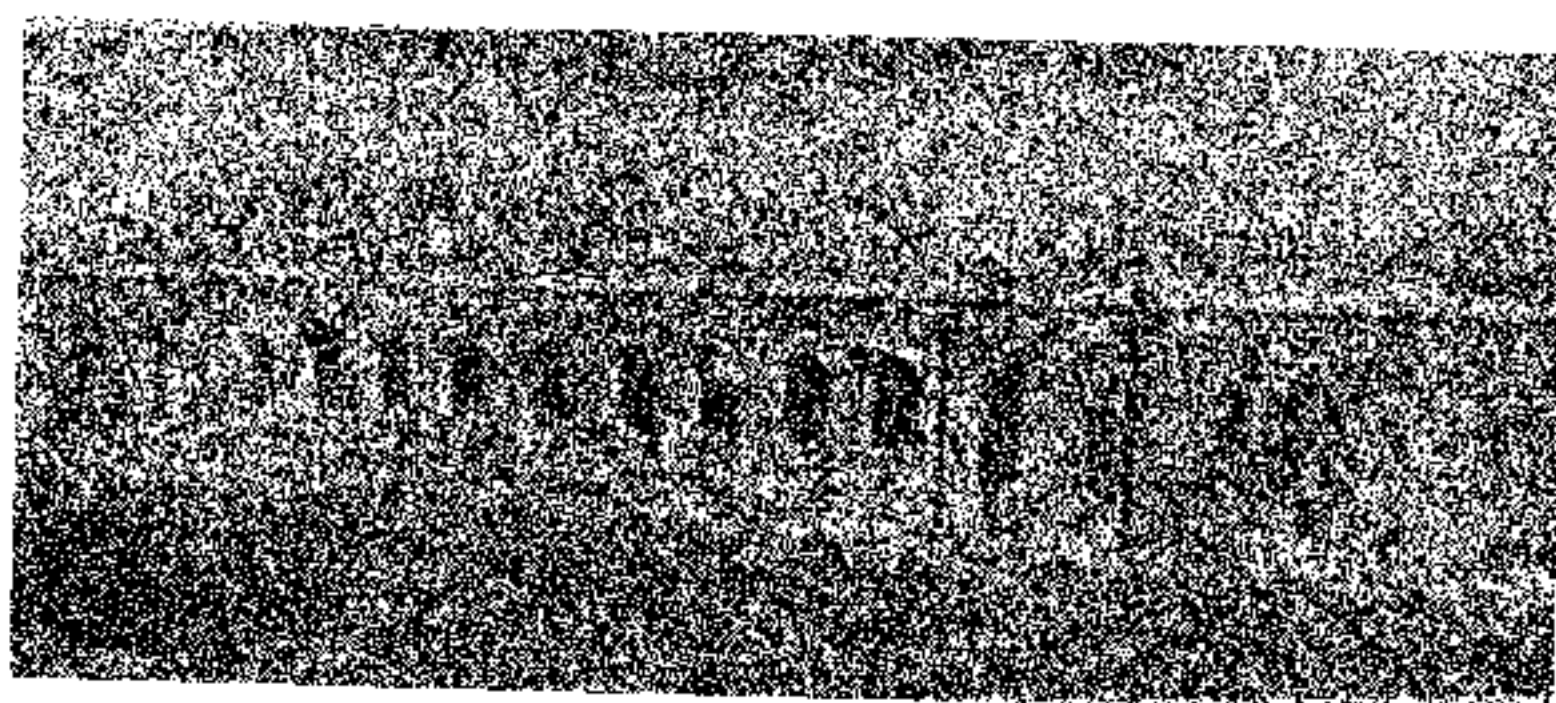
سبزه د بستان هم تابع این دبیرستان است در دهات حومه و بلوک و دیگر نقاط که از پیش مکتب بوده و حال د بستان سه کلاسه تا شش کلاسه است



## (بنگاه) مؤسسہ مارکار

بنگاه مارکار که عکس آن در بالا دیده میشود در تاریخ ۱۳۰۱ خورشیدی که سال دوم کودتا است تأسیس شده و در بحبوحه سلطنت پهلوی وسعت و مقامت یافته مؤسس این اساس یکن از زر تیشیان بمبئی است نامش **پشوتن جی دوسابائی مارکار** : اما نباید چنان پنداشت که مکنت و ثروت او در خور این مؤسسہ عرض و طویل و یا مانند نامش دنیا له دار باشد بلکه عمده دارائی او همین است که صرف بنگاه شده تازی گوید « غایة الوجود بذل الموجود » یعنی منتهای بخشش و دهش آنست که آدمی هر چه را دارد بدهد - تقریباً مارکار این کار را کرده سرمایه که در این مؤسسہ از کیسه همت خود بذل کرده بیش از یکصد هزار تومان است که یکمليون ریال باشد یا دو لک روپیه هر چه هست مارکار سرمایه در بانک هندوستان تاهین کرده است و چنین یا دگاری برای خود در یزد گذاشته : بنای این مؤسسہ در

بیرون شهر در جای مناسبی ساخته شده که هوایش برای نوآموزان آزاد و نیکوست طرز بنا هم زیبایی است و آن مشتمل است بر یکدستان تمام ( ٦ کلاسه ) و یک دبیرستانی که عجلاله تاسه دانشپایه آن دایر شده و نیز شعبه ازدبستانش شیانه روزی است بجزیه پرورش ایقام که همیشه چوبدین از کو دکان یتیم زرتشتی در آنجا پرورش یافته از خوراک و پوشاک بهره میبرد و درس میخوانند و هنر هم میآموزند زیرا شعبه هنرستان هم دارد بقدر رفع حوائج خود بنگاه از خیاطی و جوراب بافی دستی و نجاری ( درودگری ) و شعبه دیگر آن شامل یکدستان شش کلاسه و یکدبیرستان چهار کلاسه است در درون شهر در محله پشت خانلی برای دو شیزگان زرتشتی و این مؤسسه اگر چه سرمایه اش از مارکار است بدون شرکت احدی ولی زیر سرپرستی انجمن زرتشتیان بمبئی است مانند زایشگاه بهمن که آن هم با سرپرستی انجمن اداره میشود و بهمن زودی بشرح آن دبیرسیم : مدیر و رئیس بنگاه مارکار سروس پور لهراسب طهرانی است که جوانی تربیت شده است و بانوی اونیز بانوئی خوش تربیت است



## زایشگاه یزد

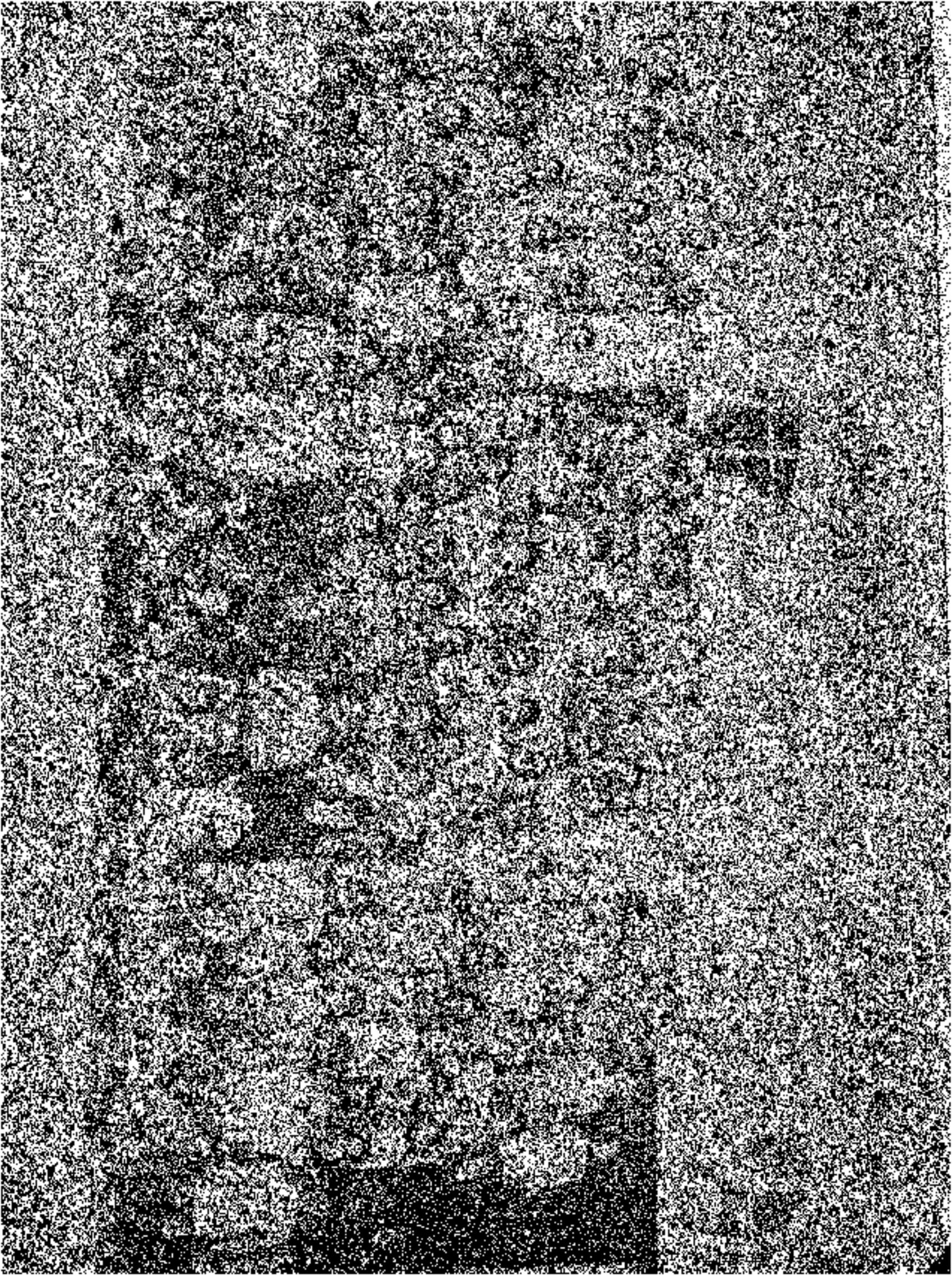
اما زایشگاه زرتشتیان یزد که آنرا زایشگاه بهمن گویند با سرمایه



گشتاسب پور خدا داد خود کلاه کوچه بیوکی تأسیس شده بنای زایشگاه هم بطوری که در عکس آن دیده میشود عالی و زیباست و در جایگاهی بهتر از مؤسسه مارکار در بیرون شهر در هوای آزاد و افتتاح این زایشگاه در ماه آذر ماه ۱۳۱۶ بنام نامی اعلیحضرت همایونی با حضور معاونت فرماندار ورثه‌سای ادارات دولتی واقع شد این زایشگاه با دو اخانه - سررتن تا تا - و یازده باب دبستان در دهات یزد گشتاسب نامبرده بنا مکانه فرزندان کاش بهمن - تأسیس نموده همه را بنام انجوان تا کام نامیده است و دکتر خسرو خسروی مدیر زایشگاه و دو اخانه نامبرده است

## دبیرستان ایزد پیمان

این دبیرستان دخترانه نیز در دوات پهلوی احداث شده هر چند اساس اولیه اش که دبستانی بوده است کوچک در محله خلفخا نعلی وجود داشته ولی بعنوان دبیرستان در سال ۱۳۰۶ که سال دوم سلطنت پهلوی است تأسیس شده شرح آن بدینگونه است که در سال ۱۲۸۲ در محله نامبرده مس بریتی انگلیسی دبستانی برای دختران یارس تأسیس کرد پس از چند سال مدیریت آن منتقل شد بمس مور و بعد مس ایدین که خانمی کارآموده است بر سر کار آمده آنرا توسعه داد و در سنه یکهزار و سصد دبستان دیگری برای دختران مسلمان تأسیس کرد بعد از آن اعانه گرد کرده نخست بنائی وسیع بسازد چون بنا ساخته شد دبستان و دبیرستانی بنام ایزد پیمان بمدریت همان مس ایدین با ضافه کودکستان در آن بنا قرار داده شده امروز برای دختران یارسی و مسلم علی السوی بنگاهی است که دختر در سن چهار و پنج تا بیست میتوانند در آنجا دوره کودکستان و دبستان شش کلاسه و دبیرستان تمام (۵ کلاسه) را تحصیل نمایند و مطابق برنامه و زارت فرهنگ ایران همه ادوار تحصیلی خود در ایام بان رسائیده دیپلمه شود



جشن دبستان خسروی زرتشتیان

## دبستان خسروی

هم دبستان خسروی یکی از بنگاه های فرهنگی زر دشتیان بزرگ است که روانشاد خسرو شاهجهان در سال ۱۲۸۵ خورشیدی برپا داشته و سمیت و ترقی آن مرهون ترقیات عصر پهلوی است زیرا پیش از آن صورت مکاتب قدیمه را داشته یا اندکی بهتر بوده در آغاز ترقی معارف و مدارس این دبستان هم يك دبستان ابتدائی شش کلاسه شده با برنامه و تنظیمات معارف اداره شده و میشو دیشتر بیش از هشتاد شاگرد داشت و اکنون شمارشان بیکصد و هشتاد رسیده است هزینه این بنگاه را دخت میهن دوست مؤسس که نامش سیمین دخت است خانم ارباب سهراب کیانیان بهمراهی همسر خویش میپردازند و در سال ۱۳۱۳ خانم نامبرده بر وسعت آن دبستان افزوده ساختمان تازه پسندیده بدان تخصیص داده اینک همه نیاز مندیهای آن بنگاه را کفایت مینماید و از هر جهت وسایل آسایش دانش پزوهان فراهم است

## اقتصادیات یزد

اقتصاد که بمعنی صرفه جوئی و میانه روی است در زندگی و بفارسی لغتی برای آن نجستیم چیز و اثره [توسنگ] از لوازم زندگانی بشر است چنانکه در غرب همه کشمکشها بر سر امور اقتصادی است تا بعدی که در قرن نوزدهم میلادی علمائی مانند آدام سمیت و دیگران پیدا شده امور اقتصاد را صورت علمیت دادند و کتب تألیف کردند و یکی از پایه های علم اقتصاد استخدام آهن و چوب است بجای دست و بازو زیرا دست و بازوی انسان در نخش (صنعت) زودآزوده میشو دو با یستی آهن و دیگر آلات را بجای آن استخدام کرد بر اثر این قضیه ممالک متمدنه پیوسته بر ماشین آلات خود افزوده اند ولی ایران از این جهت واپس مانده بود با اینکه ایرانی بویژه



یزدی صنعت دوست بوده و قریباًست که یزدیان نمره هنرهای دست بسنجیده  
 خود را با طرف جهان فرستاده اند تا پیش از دولت قاهره بهلوی کسی  
 در صد نبوده که آهن را جایگیر دست و بازوی گوشتی سازد اما بمحض اینکه  
 این دولت قوی شوکت تشکیل شد شماری چند از مردم یزد در صد انجام  
 این کار برآمدند



## هراتی و کارخانه درخشان

پیش از ورود در مطلب عکس مرحوم آقا حسینعلی هراتی را دیده‌ام  
 و او را شرف رحمت فرستید که در استخدام ما شهن بجای دست و پا پیشقدمی کرده  
 و گزارش آن بدینگونه است - آقا حسینعلی هراتی فرزند حاج ابوالقاسم  
 در سال ۱۲۶۲ خورشیدی در یزد متولد شده در همه دوره زندگانی خود



مشغول تجارت و مردی در ستکار و نیک اندیش بوده پس از آنکه دید  
 از برکت دولت پهلوی امتیاز کثیری و قضائی بحد کمال رسیده در صدد تأسیس  
 کارخانه بافندگی و ریسنده و تهیه و نصب ماشینهای عصری برآمده سرمایه  
 مکفی خود را بکار انداخت و در سال ۱۳۱۲ خورشیدی ماشینهای از کشور  
 آلمان وارد کرده کارخانه در خشان را بشراکت یکتن از زردشتیان سرمایه  
 دار نامش بهرام و برادران تأسیس نمودند و ماشینهای آنرا که بتوسط  
 استاد غلام صنعتی وارد کرده بودند در همین جایگاه که اکنون (کارخانه  
 در خشان) هست نصب نمودند: این بنگاه دارای یک هزار و یکصد و چهل دوک  
 باریک ریس است [از پشم] و چهار صد و پنجاه و هشت دوک کلفت ریس و  
 پانزده دستگاه بافندگی و تکمیل کاری که در حد و دو بیست تا دو بیست و چهل  
 تن کارگردان کار میکنند

## استاد غلام صنعتی کیست؟

چون نامی از استاد غلام برده شد باید از او هم قدر شناسی کرد و شرح  
 حال و کارش را مشروحتر بیان نمود: استاد غلام مردی صنعت دوست  
 و باهوش و همت است: با اینکه پدرش سلطانی بوده و خودش حتی از سواد  
 خواندن و نوشتن بی بهره است کارهای بزرگشته کرده که لایق ذکر است:  
 در آغاز کودکی بیافندگی دستی برداخته در اندک زمانی استاد ما هر و تنخشان  
 کاملی شده سرمایه و دستگاهی بهمز دونه تنها در بافندگی بلکه در کارهای دیگر  
 هم مهارت یافت: مثلاً نیروی ابتکار او طوری بود که در موقعیکه هیچکس  
 در یزد از چراغ برق خبری نداشت و ندیده بود او دستگاه چراغ مختصری  
 تهیه کرد و نخستین باری که آنرا بکار انداخت در جشن تا چکنداری اعلیحضرت  
 اقدس پهلوی بود که در باغ دولت آباد آنرا بمرصع استفاده عموم گذاشت  
 و چشم همه را مانند اهاشان روشن ساخت و از آنجا که مدتی بود در کارهای

ماشینی هم دستی یافته بود مرحوم هراتی او را انتخاب کرده در موقعیکه حاجی ابوالقاسم گرجی که ذکرش خواهد آمد از م اروپا بود با هم راه فرسای



سفر مقصود شده با سرمایه هراتی و بهرام و برادران ماشینهای نامبرده را خرید و وارد کرده نصب نمود و از هر جهت از عهد آن انجام کارها برآمده هم اکنون سمت نمایندگی همان کارخانه در خشان را دارد و در اصلاح امور و کارهای داخلی آن بلکه در جلب مشتری خارجی و سایر امور سرکاری دخالت مینماید

## کارخانه هراتی

اما مرحوم هراتی بعد از تأسیس کارخانه در خشان همت خود را عالیتر از این دید که بآن کارخانه که بین او و بهرام و برادران مشترک بود قناعت نماید لهذا بار دیگر کمر همت بسته کارخانه دیگری با سرمایه شخصی بدون همتائی و انبازی دیگری تأسیس نمود در سال ۱۳۱۴ (دو سال بعد از تأسیس کارخانه در خشان) ماشینهای کارخانه هراتی وارد شد برای ریسندگی پنبه و در عمارت جنب کارخانه در خشان که ساخته دست همت خودش بود نصب نمود و صورت ابزارهای کارخانه هراتی هم بدینگونه است: دارای سه هزار و دو است دوک پنبه ریزی است و دو است و پنجاه تا سیصد کارگر دارد و محصول هر دو کارخانه در کمال خوبی است: اما هراتی بعد از انجام این امور از فرط رنج و زحمت بیمار شد و پس از یکسال و چند ماه بر حمت ایزدی

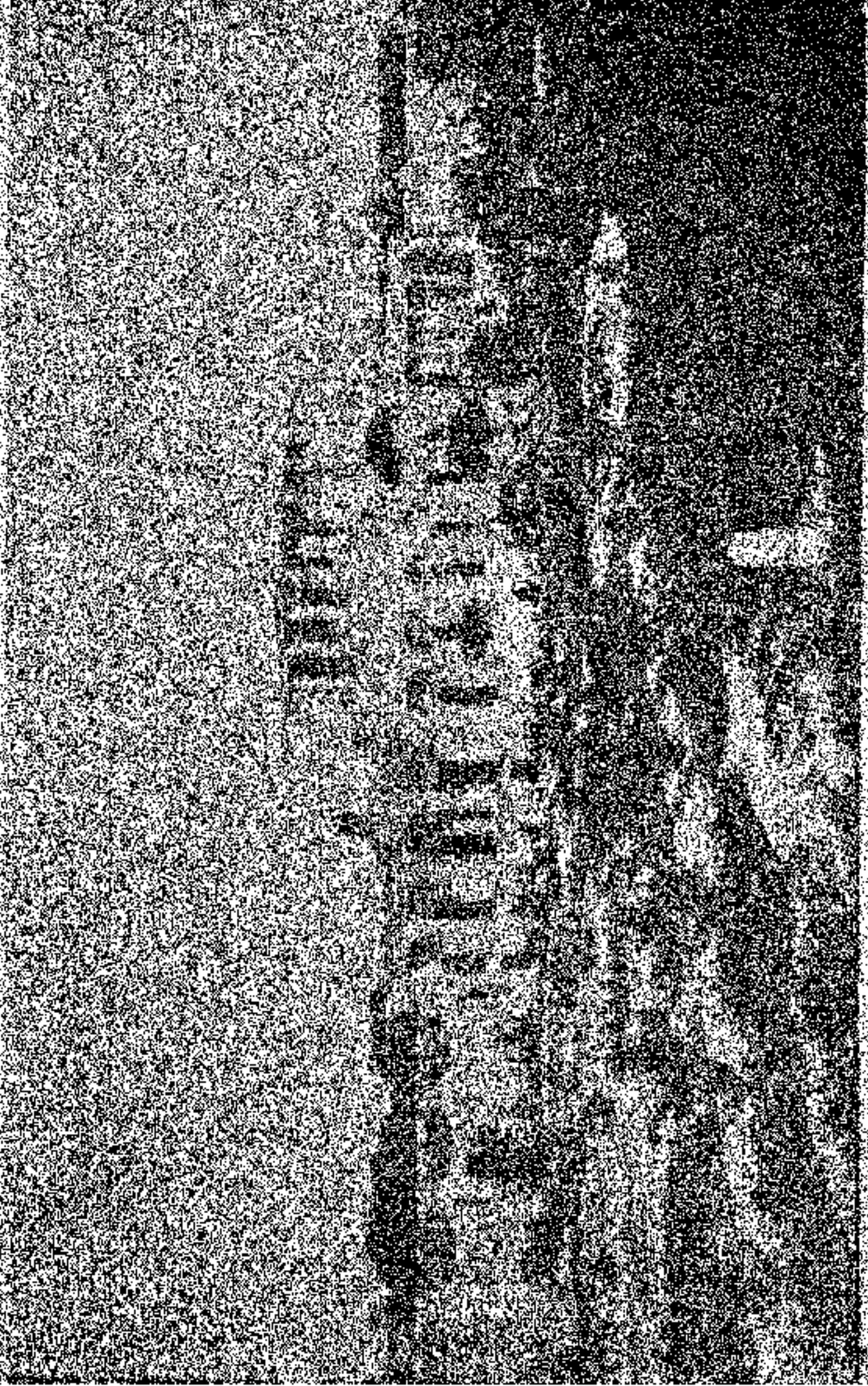
پیوسته در سال ۱۳۱۵ آمال خود را در کنار خود و نونهال بر و مند و فیه ژند  
سعادت مند خود محمد آقا و کاظم آقا گذاشت و گذشت خدایش بیا مرزاد و  
فرزندانش را در هر کار موفق و مؤید داراد

## گرچی و کار خانداو

گفتیم حاج ابو القاسم گرچی از همسایگان صدمتی بود در سفر اروپا:  
اکنون کوئیم برادران گرچی از تجار معتبر نزد بوده در میان آنها  
حاجی ابو القاسم بخارجیه سفرها کرده مردی مجرب و زبان دان بود  
عزیمت اروپا نمود برای تهیه ماشینهای جوراب و پیرهن بافی و در همان  
سال که ماشینهای درخشان خریدند شد گرچی هم با سرمایه خود ماشینهای  
جوراب بافی وارد کرد و در چهار تیکه ملک آن متعلق به آقای سید علی اکرمی  
است نصب نمود: هر چند این کارخانه با اهمیت سایر بنگاههای بافندگی  
نیست ولی آن هم در حد خود خوب و مهم است و خدمتی با اقتصادیات یزد انجام  
داده و میدهد و بعلاوه گرچی شخصاً آدم متدین و متینی است فرزند مرحوم  
حاج محمد حسین گرچی که پس از سالها هنوز مردم از خدمات ملی و اقتصادی  
او تعریف میکنند و او را از تجار خیر خواهم می شمارند خدایش بیا مرزاد

## کارخانه اقبال

مهمترین کارخانهای تازه کارخانه اقبال است که بشرکت سهنای بین  
یکده از تجار معتبر یزد تأسیس شده و گزارش بدینگونه است که پیش از هجرت  
بنگاههای اقتصادی شرکتی در یزد بسال ۱۳۱۰ خورشیدی (سال پنجم  
سلطنت پهلوی) تأسیس شد برای نفع ریزی و با تکمیل هم در آن سهنای و همیار  
بود ولی پس از چند ماه بانک از شرکت خود پشیمان شده کنار کشید و از موقع  
تأسیس شرکت تا نصب ماشین و تأسیس کارخانه سه سال طول کشید ولی با ید



کار خانہ اقبال



از پشت کار و استقامت تجار قدر دانی کرد که رشته را از دست ندادند و بنائی در بهترین نقاط شهر با سلوب تازه ساز دادند و چون همه لو از مش حاضر شد ماشینها را نصب کرده در اسفند ۱۳۱۳ عملیات امتحالی آغاز شد: سر مایه نخستین دو میلیون و نیم ریال بود (دویست و پنجاه هزار تومان) بعد بتدریج بسر مایه آن افزود تا پنج میلیون و هفتاد هزار ریال و همه مبلغ هم پرداخته شده اینک صورت عمل آنرا بیان میکنیم تا بر اعتبار آن بصیرت حاصل آید در آغاز کار چهار هزار و دویست دوک ریسندگی داشته و بعد از آن هم دو هزار و هشتصد دوک افزود و ده شد بملاوه دستگاه مرسریر آسیون (براق کردن نخ پنبه) هم وارد شده و هفت هزار دوک ریسندگی بکار افتاده که از نخ شماره ۲ تا شصت میتواند بسیدجیده سازد: این بکار خانه دارای دو موتور است ۱ - بقوه چهار صد و چهل ۲ - بقوه دویست و پنجاه اسب و نتیجه بهره برداری آن در سه سال گذشته چنین بوده است

سال ۱۳۱۴ - ۴۸ ر ۵ -

« ۱۳۱۵ - ۶۰ ر -

« ۱۳۱۶ - ۳۰ ر -

مجموع سه سال - ۱۳۸ ر ۵ -

موجودی احتیاطی و استهلاکی - ۱ ر ۲۶ -

## شرکت آب - چالا آرتیزین (قمری)

مدتی بود گفتگوی حفر چاههای قمری (آرتیزین) در نزد بود و دولت هم موافقت داشت زیرا نزد همه مسلم بوده و هست که یزد کم آبست و پیش از هر چیز باید آبی برای آن تهیه کرد که اینهمه زمینهای با یردایر و مزروع شود و نانی که در حالت حاضر بیش از سه چهار ماه در سال عاید یزدیان نمیشود در تمام سال تأمین گردد و لی گفتگوها همه در بوته اجمال مانده بود

تا در این ایام که ما مشغول چاپ این کتابیم تجدیت بیشتری از هر طرف بعمل آمده بیاس یزدان را که تا اندازه از حرف بمیدان عمل وارد شده شرکتی سهامی تشکیل شده و مراکز مذاکرات و تأسیس و تشکیل مقدمات همین کارخانه اقبال و جدیت مدیر آن آقای امیر کوراغلی واقع شد و مردم هم با اعتنای که باین بنگاه و مدیرش داشته و دارند بی دریغ تعهداتی دادند حتی خود نگارنده با تهنی دستی و کمی سرمایه چهار سهم یکپزار ریالی آنرا تعهد کرد و يك دهم آن حواله داده اند و پرداخته شده برای هزینه های نخستین و در ماه آبان امسال ۱۳۱۷ با حضور جناب فرماندار انتخاب اهیئت نظار صورت بست و در نتیجه آقایان کوراغلی با ملك التجار، آقا سید عباس قاضی، محمد صادق رحیمی، غلامحسین عسکری کامران، حاج عبدالخالق داد، الله وردی بهمردی زردشتی برای اقدام بکار انتخاب شدند و با این ترتیب امید میرود که تا دو سال دیگر مردم یزد از حیث آب هم آسوده شده بیش از پیش بدعای دوات پر برکت شاهنشاهی بپردازند (آمین)

## بهداری یزد (صحیه)

کمتر کسی است که در این روزگار آگاه نشده باشد از اهمیت بهداشت یعنی صحت جان و تن و لزوم اداره بهداشتی (صحیه) در هر شهر و دیار و اغلب میدانند که این قضیه در قرون اخیر از نظر افتاده بود چنانکه بعد از خراب شدن بنگاهها (مؤسسات) مرحوم سیدرکن الدین و فرزندش سید شمس الدین صاحب دیوان از مریضخانه و دواخانه که شرحش بنام دارالشفای بیت الادویه ذکر شد تا این زمان که نزد يك پنج قرن میگذرد دیگر کسی در یزد توجهی با مرصحت عمومی ننموده و بیمارستانی تأسیس نکرده بود جز از طرف مسیحیان که مریضخانه مرسلین تهریباً سی سال است در یزد دایر شده دیگر بنگاههی نبود تا اوایل سلطنت پهلوی که از طرفی اداره صحیه با تغییر اسم آن

بنام بهداری در تحت توجهات ذات همایونی سر و صورتی بخود گرفت و با قانون  
 امتحان اطباء دست متطببان بی بصیرت از کار کوتاه شده بخود سربهای  
 پیشین خاتمه داده شده در هر شهر و قصبه حتی دهکده دکترهای قانونی یا اقلا  
 اطبای مجاز منصوب شدند و یزد هم بنوبت خود از این فیض کامیاب شده اداره  
 بهداری آن سر و صورتی پیدا کرد و از طرفی در هر شهر و دیار بیمارستانهای  
 بسیار عالی مطابق مریضخانه های خارجه تأسیس و ساخته شده در  
 یزد هم بیمارستان پهلوی تأسیس شده تحت مدیریت دکتر محمد ظاهری که  
 دکتری بسیار ماهر و حاذق است قرار گرفت و هر چند بیمارستان نامبرده  
 تا کنون خدمات مهمی انجام داده ولی باین درجه قناعت نشده بقطعه  
 زمین و سبب بسیار خوب در بهترین نقاط شهر از طرف دولت فراهم شده برای  
 ساختمان بیمارستان بسیار عالی و عنقریب یزد هم دارای مریضخانه آبرومندتری  
 خواهد شد و دکترهای خوب هم در یزد زیاد داریم ننند دکتر هوشمند  
 و دکتر مؤید و جمعی دیگر که بعد از دکتر ظاهری بزرگ و کوچک و دکتر  
 حافظی این آقایان طرف توجه عامه اند

## آخرین بنای خیر

آخرین بنای خیری که عام المنفعه است آب انبار حاج سید حسین  
 خویدی است که در اوایل دوره پهلوی و او ان ساختمان بنگاه مارکار  
 ساخته این مرد تمولی داشت و اولادی نداشت از این رو وصیت کرد که  
 چنین آب انباری بمباشرت حاج علینقی تاجر ساخته شود و حاج مزبور  
 بصیت او رفتار کرده با صرف یکصد و بیست هزار ریال مصنعه در کمال خوبی  
 ساخت و چون نزد يك زر دشتیان بود و راه برای آن قرار داد یکی برای  
 استفاده مسلمین و دیگر استفاده زر دشتیان

آب انبار دیگری هم همان حاج سید حسین بمباشرت حاج محمد حسین

برخوردار که از تجار امین و صدیق یزد است در انتهای محله خلف خانعلی ساخته که آن هم بسیار عالی است و دارای دوراه است برای استفاده زر تشرتی و مسلمان و نیز آب آباری در خود یک ساخته گویند حاجی نامبرده شتردار بوده و در بیابانی تشنه شده و نزدیک هلاکت رسیده نذر کرده که اگر نجات یافت و متمول شد آب آبارهای متعدد بسازد خدا با و تمول داد او هم بنذر وفا کرد

## آخرین ضایعہ یزد از جنبہ روحانیت

اخیراً دو آیه الله از یزد درخت بر بسته بجوار حضرت یزدان پیوسته اند که هر دو از مفاخر این شهر بودند: نخست مرحوم آیه الله آقا سید یحیی موسوی دوم مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری نخست در یزد یازده سال قبل مرحوم شده و دومین در قم: و سال پیش از این: اما آقا سید یحیی فرزند آقا سید کاظم موسوی از طرف مادر منسوب است به مرحوم آخوند ملا اسمعیل عقدائی بانی مسجد که ذکرش گذشت مرحوم سید در سال ۱۲۶۳ در یزد متولد شده از سن دو و از ده سالگی رسماً داخل تحصیلات عالیه شده مقدمات را در یزد تکمیل نموده در ۱۲۸۳ برای تحصیل ریاضیات که متذوق بدان بود عزیمت خراسان نمود و پس از سه سال بیزد بازگشته باندک فاصله متوجه نجف اشرف گشته با مرحوم آیه الله آقا سید کاظم یزدی که بزرگترین منخر یزد و بعد از مرحوم میرزای شیرازی حیا علم و مرجع همه شیعیان بود مانوس شده هم بدرس خارج ایشان حاضر میشد هم ریاضیات با ایشان میآموخت و نیز چندی در حوزه درس مرحوم میرزای شیرازی درسآموخت حضور یافته هم چنین نزد مرحوم شیخ محمد حسین کاظمینی تلمذ نموده در زمان کمی ترقی زیادی کرده در سال ۱۲۹۱ هجری مجاز شده بتالیف و تصنیف کتب و رسائل پرداخته اخیراً در معتقاً اقتصادیه افتاده بسبب عزت نفس تحمل



عسرت نمود تا مزاجش علیل شد و تزییمت یزد نمود ده در سال ۱۲۹۶ هجری قمری بتدریس پرداخته رئیس علمای یزد محسوب گشت و اخیراً بطوری طرف توجه حکام و فرمانداران شده بود که غالباً در امور سیاسی وی



را مداخلت میدادند و بر رأی او اعتماد همی کردند اما تالیفات آن مرحوم در اصل است و پنج جلد در فقه (شرح بر شرایع و شرح بر حاشیه چغمنی) و فاش سال ۱۳۴۶

هجری قمری در یزد و مدفنش در درون حرم امامزاده جعفر است و چنانکه دانسته شد مرحوم سید هشتاد و سه سال عمر کرد

رحمة الله عليه مرحوم آية الله موسوی را فرزندان چند مخلف شده از پسرو دختر که اعلم و اکبر از همه آقای آقا سید محمد آیت الهی است فاضل و اصیل و سردفتر اسناد رسمی سایرین هم از فضائل بی بهره نیستند

## آية الله حائری

اما مرحوم آية الله حاج شيخ عبدالکریم حائری اصلاً از اهل قریه مهر جرد از بلوک میبد بوده نام پدرش محمد جعفر مردی زراعت پیشه بود تولد آية الله در سال ۱۲۷۶ بوده در عنفوان شباب متمایل بتحصیل علم شده نخست در اردکان و سپس در یزد نزد مرحوم آقا میر سید علی مدرس تحصیل نموده آنگاه بمدرس آية الله آقا سید یحیی نامبرده شتافته گاهی بدرس سلطان العلماء هم حاضر میشد و در مدرسه خان منزل داشت در سال ۱۳۰۳ قمری که نگارنده و ارد مدرسۀ خان شد معظم له عزیمت عتبات نمود در نجف و کربلا و سامره بدرس اغلب از مشاهیر حاضر شده تحصیلات عمدۀ آن مرحوم نزد آقای شیخ علی یزدی بود ولی چندی هم بدرس مرحوم میرزای شیرازی

حضور یافته بسبب جودت ذهنی که داشت بترقیات سامیه رسید و بالاخره بعد از مجاز شدن به اراک (سلطان آباد) رفته حوزه درسی تشکیل داد و پس از چندی مردم اراک بازگشت و بر او استیارت شدند و اجابت کرده و در سال ۱۳۴۰ حوزه درس ایشان از اراک بزاز و ایوان قدیمه قم انتقال یافت و در آنجا مدرسه فیضیه را تعمیر نمود و فزون از هزار نفر طلبه را اداره کرده ضمناً دست بساختن مریضخانه زده در قم از موقوفه حاجی سهام الدوله اراکی مریضخانه را بنیان رسانید و در جادنه سیل خیز قم خیر کلی از وجود وی صادر شد و جمع کثیری را از استیصال نجات داد و در سال ۱۳۵۵ هجری روی از جهان نرفت و داعی حقر البیک گفت و ماده تاریخ و فائش را مؤلف در آخر قطعه چنین آورده (قد دخل الحائر عبداً لکریم) ۱۳۵۵

### بنگاه گلپهار

کتابفروشی گلپهار در تاریخ ۱۳۰۵ خورشیدی در یزد تأسیس شده بر اثر ازدیاد حوائج اهالی و اثر ادارات دولتی با مور مطبوعات در سال ۱۳۱۲ ماشین های چاپ وارد و چاپخانه آبرومندی تأسیس شد که این کتاب یکی از نمونه های کار آن بنگاه است (۱) و با پشت کار و حسن کفایت مدیر این مؤسسه آقای مدرس زاده (محمد رضا) تا کنون خدمات مهمی بمردم این شهر و ادارات دولت انجام یافته است در آینده بوسیله تکثیر و ازدیاد مراجمیات بر توسعه آن افزوده گردد و موجبات تشویق کارکنان این بنگاه فراهم گردد (آمین یا رب العالمین)

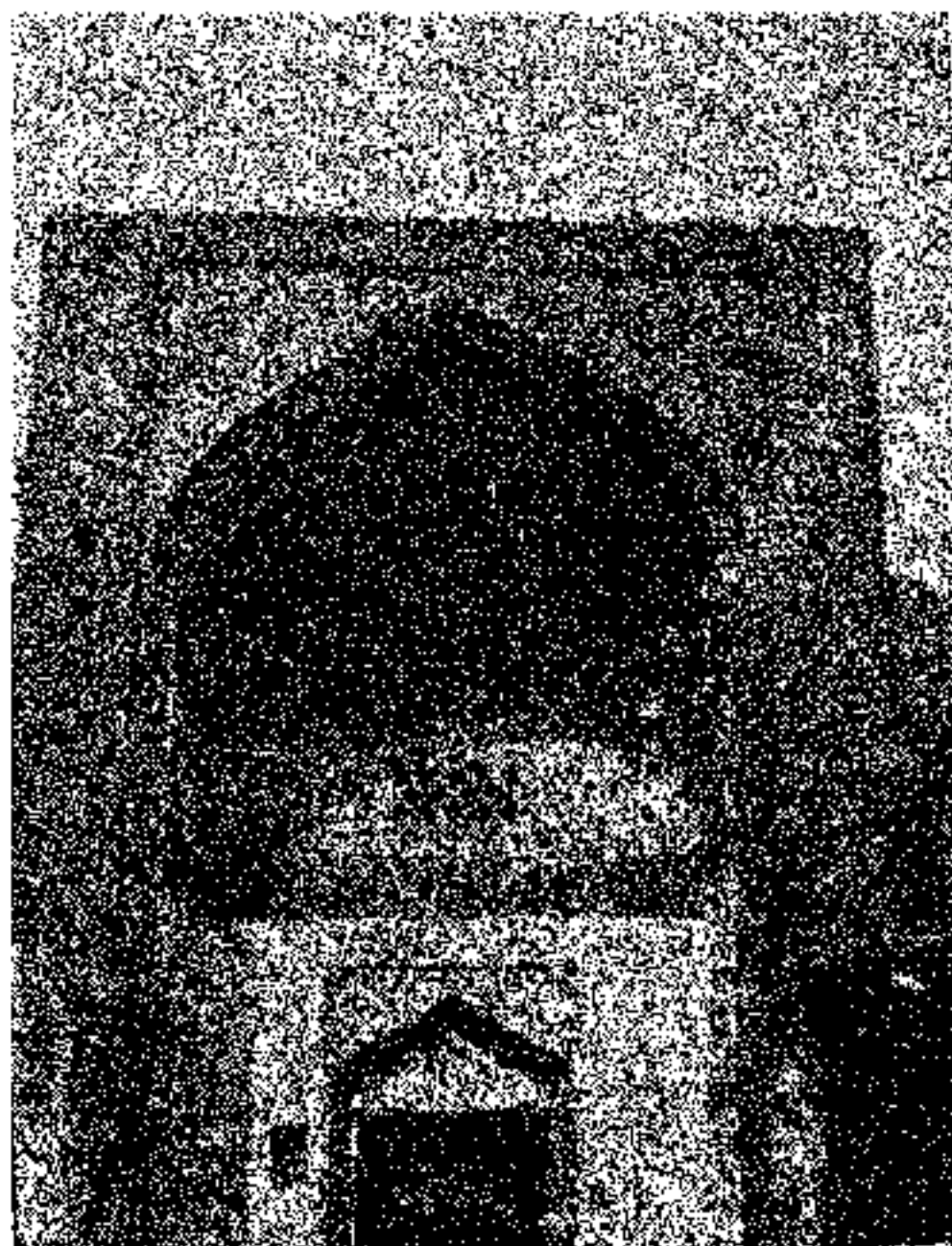
تمام شد بند چهارم از بخش سوم

۱ بیش از گلپهار در یزد چاپخانه سنگی شیر کوه در آنجا و حرفی در انجام وجود داشت و نیز چاپخانه کوثر ناخدی رقم حوائج میگردد ولی وسعت گلپهار را نداشت و اینک بتأسیس چاپخانه گلپهار هر گونه حوائجی در مطبوعات بر آورده است

## سرانجام (خاتمه)

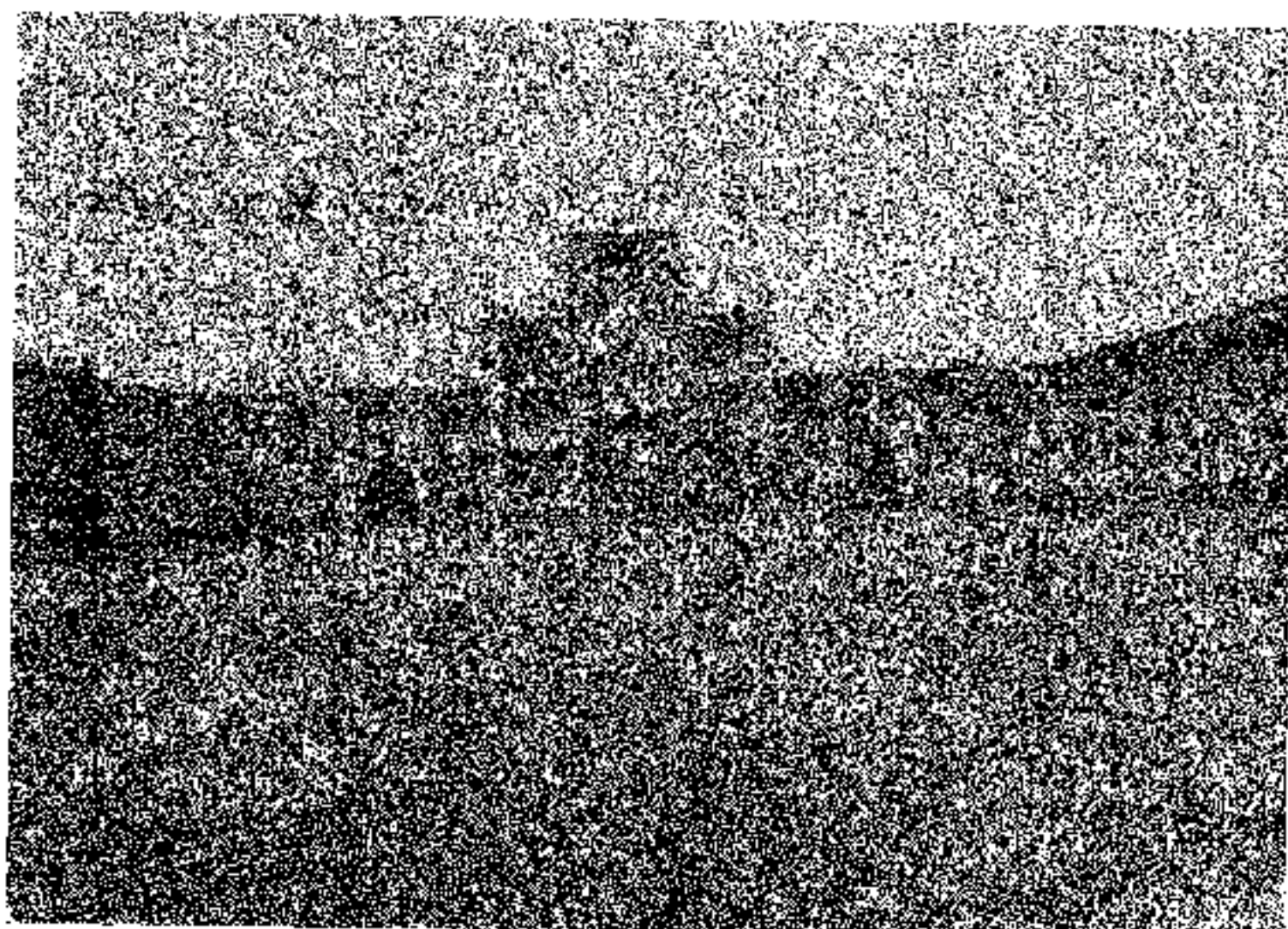
در پاره از توضیحات و مطالب متفرقه

۱- شهرهای کوچک یا قصبات بزرگی که دور از شهر یزد در سرحد این ولایت قرار گرفته اند مانند شهر بایک از شرق یزد و ابرقوه از جنوب و نائین از غرب همه دارای آثار کهنه تاریخی هستند بلکه هر یک تاریخی ویژه خود دارند حتی بافق و بهاباد و هرات و مروست نیز گزارشاتی دارند که قابل درج در تاریخ است و هم باندک ترجیحی ممکن است جاهای مهم و حاصلخیز و پر سودی شوند مگر اینکه از همه آنها جز دو جزوه یکی بخامنه و شمشیر شهر بایک و یکی بتقریر شیخ محمد فخر الواعظین بهابادی چیز دیگر در دست نیست و خود نگارنده هم بآن نقاط سفر نکرده و کنجکاویهایی لازم انجام نداده اینست که گزارش آن نقاط در بوثه اجمال مانده مجالی برای بسط سخن در آنها دست نداد



است اگر چه خط کتیبه نایان نیست در ج میشو د  
۲- عکس سر در مدرسه شفیعیه که تاریخ انعام آنرا حاکی

۳- میدان شاه که گفتیم اثر خان بزرگت عکسش در اینجا درج میشود



اما مروست که خود نگارنده دیده هر قدر قریه بیش نیست ولی با ندك تو جهی ممکن است جای مهمی شود و وسعت در همه چیز آن پدید آید

۴- (وقفیت مروست) چون دو دانگ از قریه مروست با منضمات آن وقف آسانه است و نگارنده بر اثر اطلاعات کافی که داشته در جمله نمکدان شرحی نگاشت و پاره مردم ذیمدخل حمل برگزاف گوئی میکردند در صد کشف و قفنامه برآمده سوای مدارکی که از مرحوم نواب وکیل تحصیل نمود اخیراً اصل و قفنامه بوسیله دکتر محمد مروستی رئیس بهداری شهر بایک بمیانجی گری آقای سید محمود زارع وزجات آقای مهدوی رئیس اوقاف بزد بدست آمد و در موقع گشایش دبیرستان ایرانشهر با آقای فیوضات رئیس کل اوقاف تجویز شد که بجزریان قانونی اندازند لازم بود در نوشت آنرا در این کتاب درج کنیم تا بداند آیتی هر چه را در هر کتاب نوشته درست بوده و پس از کنجکا و بهای لازم درج کرده معهدا برای اختصار از درج



آن سواد منصرف شده فقط تذکر داده میشود که اصل وقفنامه بر کاغذ کبود رنگی است مورخ بتاریخ ۱۱۶۴ و اقفه بی بی مرضیه ملقب بصدرا الحاجیه دختر صدرا صفهانی بنظارت نواب رضوی که تا سال گذشته نواب و کیل رضوی بناء بر نوشته خودش حق نظارت از غله مروست گرفته و در تصرف وقف بوده و سند نامبرده دارای ده فقره مهر و سجل از علمای معتبر آن عصر است که سه فقره حاکی از وقوع است و هفت فقره اعتراف بر وقف و چون این سند در دو نسخه تنظیم شده بود اگر غاصبین مروست بنا بر آنچه مشهور است یکی را ثمن بخش خریدند و محو کرده باشند این نسخه [ثانی] حاکی از حزم و احتیاط واقفه است دیگر از مفقود شدن علی اصغر قنبری مروستی که پس از ادای بعضی شهادتها کسی نمیداند چه شده سخن نمیگوئیم

۵- یکی از بناهای زیبا در یزد حسینیة نقشین است آن هم گویند یکی از احفاد

خان زرك بشرکت اهل ۱۰۰۰۰ یشت باغ ساخته (عکس حسینیة نقشین)

